

An Explanation of the Religious Ruling on the Pre-Sale of Gold Coins in Light of the *Salam* Contract: A Comparative Study in the Jurisprudence of the Islamic Schools of Law*



Shadi Hassani¹ **Mohammad Javad Ghaemi²**

1. Ph.D. in Fiqh and the Foundations of Islamic Law, Noshahr, Mazandaran, Iran (**Corresponding Author**).

hassanishadi137@gmail.com

2. Lecturer at the Seminary and University, Mazandaran, Iran.

mjghaemi685@gmail.com

Abstract

In Iran, the pre-sale of gold coins is primarily conducted through futures certificates as one of the modern financial instruments. From a jurisprudential perspective, however, efforts have been made to justify and implement this practice within the framework of the *Salam* (forward sale) contract as a traditional Islamic contract. On the one hand, the pre-sale of gold coins resembles a *Salam* contract (a Shari'ah-compliant forward sale); on the other hand, because of the nature of gold as a ribā-bearing commodity and the manner in which such transactions are carried out in practice, it may conflict with the requirements of Islamic law. Furthermore, the civil laws of many countries, including Iran, contain no explicit provisions governing the

* Hassani, Sh. & Ghaemi, M. J. (2025). An Explanation of the Religious Ruling on the Pre-Sale of Gold Coins in Light of the *Salam* Contract: A Comparative Study in the Jurisprudence of the Islamic Schools of Law. *Islamic Knowledge Management*, 6(2), pp. 126–154.

<https://doi.org/10.22081/jikm.2026.73152.1107>

▣ **Article Type:** Research; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran

▣ **Received:** 2024/10/17 • **Revised:** 2024/12/20 • **Accepted:** 2025/01/06 • **Published online:** 2025/03/10

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights

Salam contract. Accordingly, this study addresses the following question: Is the pre-sale of gold coins within the framework of the *Salam* contract valid according to the jurisprudence of the Islamic schools of law? Using a descriptive-analytical method and drawing upon authoritative library sources, the study examines the views of jurists from the five major Islamic schools of law regarding the nature of the *Salam* contract, its legal requirements, and the possibility of extending its application to gold coins. The findings indicate that the pre-sale of gold coins is permissible in all Islamic schools of law, provided that all the conditions governing the *Salam* contract are fully satisfied. However, the principal Sharī'ah concern is that gold is regarded as a ribā-bearing commodity, requiring immediate reciprocal exchange (*taqābuḍ*) in transactions involving gold for gold. If gold coins are treated as commodities rather than currency and are traded under the *Salam* contract, this impediment is removed.

Keywords

pre-sale, gold coin, *Salaf*, *Salam*, Imamiyyah, Sunnies, the five Islamic schools of law.

بيان الحكم الشرعي للبيع المسبق للعملات الذهبية في ضوء عقد السلم: دراسة مقارنة في فقه المذاهب الإسلامية*

شادي حسني^١ محمد جواد قائمي^٢

دكتوراه في الفقه وأصول القانون الإسلامي، نوشهر، مازندران، إيران (الباحثة المسؤولة).

hassanishadi137@gmail.com

مدرس في الحوزة العلمية والجامعة، مازندران، إيران.

mjghaemi685@gmail.com



الملخص

يُطرح البيع المسبق للعملات الذهبية في إيران في الغالب ضمن إطار العقود الآجلة بوصفه أحد الأدوات المالية الحديثة، إلا أن التكليف الفقهي لهذا التعامل يسعى إلى إدراجه ضمن إطار عقد السلم (السلف) باعتباره من العقود الإسلامية الموروثة. لأنه من جهة، يتقارب البيع المسبق للعملات الذهبية مع عقد السلم من حيث دفع الثمن مقدماً وتأجيل تسليم المبيع، ومن جهة أخرى قد يثير إشكالات شرعية بسبب الطبيعة الربوية للذهب، فضلاً عن الكيفية العملية لتنفيذ هذه المعاملة، الأمر الذي قد يؤدي إلى تعارضها مع الضوابط الشرعية. كما أن التشريعات المدنية في عدد من الدول، ومنها إيران، لا تتضمن تنظيمًا قانونيًا صريحاً لعقد السلم، مما يثير التساؤل حول مدى

* الاستشهاد بهذه المقالة: حسني، شادي؛ قائمي، محمد جواد. (٢٠٢٥). بيان الحكم الشرعي للبيع المسبق للعملات الذهبية في ضوء عقد السلم: دراسة مقارنة في فقه المذاهب الإسلامية. إدارة المعرفة الإسلامية، ٦(٢)، صص ١٢٦-١٥٤.

<https://doi.org/10.22081/jikm.2026.73152.1107>

□ نوع المقال: بحثية؛ الناشر: المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران

□ تاريخ الإستلام: ١٧/١٠/٢٠٢٣ • تاريخ التعديل: ٢٠/١٢/٢٠٢٤ • تاريخ القبول: ٠٦/٠١/٢٠٢٥ • تاريخ الإصدار: ١٠/٠٣/٢٠٢٥

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights

مشروعية البيع المسبق للعملات الذهبية في إطار هذا العقد من منظور فقه المذاهب الإسلامية. وانطلاقاً من ذلك، اعتمدت هذه الدراسة المنهج الوصفي-التحليلي، مع الاستناد إلى المصادر الفقهية والمراجع المكتوبة المعتبرة، لبحث آراء فقهاء المذاهب الإسلامية الخمسة بشأن حقيقة عقد السلم، وشروط صحته، وإمكان تطبيقه على البيع المسبق للعملات الذهبية. وتوصلت الدراسة إلى أنّ البيع المسبق للعملات الذهبية يُعدّ جائزاً في جميع المذاهب الإسلامية متى استوفى جميع شروط عقد السلم. غير أنّ أبرز الإشكالات الشرعية يتمثل في اعتبار الذهب من الأموال الربوية، وما يترتب على ذلك من اشتراط التقابض الفوري في مبادلة الذهب بالذهب. أما إذا عدّت العملة الذهبية سلعة لا نقداً، وتمّ التعاقد عليها في إطار عقد السلم، فإن هذا المانع الشرعي ينتفي.

الكلمات المفتاحية

البيع المسبق، العملة الذهبية، السلف، السلم، الفقه الإمامي، أهل السنة، المذاهب الإسلامية الخمسة.

تبیین حکم شرعی پیش فروش سکه طلا در پرتو عقد سلم؛ مطالعه‌ای تطبیقی در فقه مذاهب اسلامی*

شادی حسنی^۱ محمدجواد قائمی^۲

۱. دکترای تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی، نوشهر، مازندران. ایران (نویسنده مسئول).

hassanishadi137@gmail.com

۲. مدرس حوزه و دانشگاه، مازندران. ایران.

mjghaemi685@gmail.com



چکیده

پیش فروش سکه در ایران به طور عمده در قالب «اوراق آتی» به عنوان یکی از ابزارهای نوین مالی طراحی شده است، اما از نظر فقهی تلاش می شود تا در چارچوب عقد سلم (سلف)، به عنوان یک عقد سنتی اسلامی توجیه و اجرا شود؛ زیرا از سویی مشابه عقد سلم (پیش فروش شرعی) است، اما از سوی دیگر ممکن است به دلیل ویژگی های طلا (به عنوان مال ربوی) و نیز نحوه اجرای عملی آن، با موازین شرعی تعارض داشته باشد. همچنین در قوانین مدنی بسیاری از کشورها از جمله ایران، مقررات صریحی درباره بیع سلم وجود ندارد. از این رو این سوال پیش می آید که آیا پیش فروش سکه در چارچوب عقد سلم، از نظر فقه مذاهب اسلامی صحیح است؟ بنابراین پژوهشگر با روش تحلیلی-توصیفی و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای معتبر به بررسی دیدگاه‌های

* **استناد به این مقاله:** حسنی، شادی؛ قائمی، محمدجواد. (۱۴۰۳). تبیین حکم شرعی پیش فروش سکه طلا در پرتو عقد سلم؛ مطالعه‌ای تطبیقی در فقه مذاهب اسلامی. مدیریت دانش اسلامی، ۶(۲)، صص ۱۲۶-۱۵۴.
<https://Doi.org/10.22081/jikm.2026.73152.1107>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۵ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۹/۳۰ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۷ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰

© ۱۴۰۳ «حق تألیف و حقوق کامل انتشار برای نویسندگان محفوظ است»



فقه‌های مذاهب پنجگانه درباره ماهیت عقد سلم، شرایط و امکان تعمیم به سکه طلا را مورد بررسی قرار می‌دهد. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد؛ پیش‌فروش سکه در صورت رعایت کامل شرایط عقد سلم، در تمام مذاهب اسلامی جایز است؛ اما مهمترین مانع شرعی، ربوی تلقی شدن طلا و لزوم تقابض فوری در معاملات طلا با طلاست؛ چنانچه سکه به‌عنوان کالا (نه پول) و در قالب سلم معامله شود، این مانع مرتفع می‌شود.

کلیدواژه‌ها

پیش‌فروش، سکه، سلف، سلم، امامیه، اهل سنت، مذاهب خمس.

مقدمه

به عقیده امام خمینی رحمته الله علیه، «عقد بیع نیاز به ایجاب و قبول دارد» و گاهی به وسیله ایجاب از قبول بی نیازی حاصل می شود، مثل اینکه خریدار یا فروشنده، طرفش را در خرید و فروش وکیل کند، یا خریدار و فروشنده شخص سومی را وکیل کنند؛ پس بگوید: «این را به این فروختم» (خمینی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۵۳۶).

همچنین شیخ انصاری در تعریف بیع بیان می کند: «تملیک عین در برابر عوض معلوم» (انصاری، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۳۹). این تعریف برگرفته از فقه است و ماده ۳۳۸ قانون مدنی نیز همین را بیان می دارد، بنابراین بعد از تحقق عقد هر یک از عوضین به طرف مقابل انتقال می یابد.

در ابتدای مقدمه، تعریف بیع از سه منظر ارائه شد؛ که در عین تنوع بیان، همگی بر ماهیت انتقالی و معوض بودن این عقد تأکید دارند. ابتدا امام خمینی رحمته الله علیه با تأکید بر «ایجاب و قبول» به عنوان ارکان تشکیل عقد، پایه حقوقی بیع را براساس توافق طرفین بنا می نهد. سپس شیخ انصاری با تعریف بیع به «تملیک عین در برابر عوض معلوم»، بر دو عنصر انتقال مالکیت و معوض بودن به عنوان جوهره اقتصادی عقد تکیه می کند. در نهایت، حقوق مدنی در ماده ۳۳۸، عین همین تعریف فقهی را با بیان «انتقال عوضین به طرف مقابل» به زبان حقوقی امروزین بازتاب می دهد. بدین ترتیب، این سه تعریف در یک راستا و به صورت مکمل، بیع را به عنوان عقدی معوض و انتقال دهنده مالکیت تبیین می کنند که اصل رضایت و توافق اساس آن، و تعیین بودن عوض شرط صحت آن است.

عقد بیع در فقه امامیه (امام خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳) و نیز در فقه اهل سنت (الزحلی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۳۴۵) از جمله عقود معین به شمار می رود؛ از این رو، برای صحت آن مجموعه ای از شرایط عمومی و اختصاصی در نظر گرفته شده است.

شرایط عمومی شامل موارد زیر است:

- وجود قصد و اراده واقعی برای انجام معامله ؛

- رضایت طرفین معامله؛
- داشتن صلاحیت قانونی و شرعی برای انعقاد عقد؛
- تعیین دقیق موضوع معامله؛
- مشروع بودن هدف و جهت معامله.
- شرایط اختصاصی نیز عبارتند از:
- مشخص بودن نوع، جنس، ویژگی‌ها و مقدار کالای مورد معامله؛
- عدم ممنوعیت شرعی یا قانونی در خرید و فروش مبیع؛
- دارا بودن ارزش اقتصادی (مالیت)؛
- برخورداری از منفعت عقلایی و مشروع؛
- امکان تحویل کالا توسط فروشنده.
- در صورتی که مبیع عین مشخص یا در حکم آن باشد، باید در زمان انعقاد عقد موجود باشد.

اما گاهی ممکن است در بیع، عین معین و موجود باشد یا به صورت کلی در ذمه باشد و یا اینکه در آینده به وجود بیاید. بیعی که عین در آینده وجود می‌آید، بیع سلم نامیده می‌شود. در پیش فروش سکه طلا نیز عین قرار است تا در آینده به وجود آید، بنابراین در ابتدا به بیان تعریف بیع سلم، مشروعیت و شرایط این بیع از دیدگاه مذاهب اسلامی می‌پردازیم و در ادامه به بیان تحلیل حقوقی این قرارداد پیش فروش خواهیم پرداخت تا صحت و یا عدم صحت این نوع بیع مشخص گردد.

۱. تعریف بیع سلم

واژه «سلم» در لغت به معنای سلامت، آرامش، تسلیم و پیش پرداخت یا پیش خرید آمده است (الجزری، ۱۴۲۳ق، ج ۲، صص ۳۹۴ و ۳۹۶؛ الزبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۶، ص ۳۴۵؛ الخوری الشرتونی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۷۰۷؛ ابو عمرو، ۱۴۲۳ق، ص ۶۳۷؛ الطریحی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۸۸؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۲۱۹؛ دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۹، ص ۱۳۷۳۲). این واژه در برخی منابع با عنوان «سلف» نیز شناخته می‌شود. تفاوت آن دو در این است که «سلم» بیشتر در زبان مردم حجاز رایج بوده، در

حالی که «سلف» در میان اهل عراق کاربرد داشته است. با این حال، واژه «سلف» معنای گسترده‌تری دارد و افزون بر پیش فروش، شامل مفهوم قرض نیز می‌شود (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۶، ص ۳۳۱؛ الجوهری، ۱۴۰۲ق، ج ۵، ص ۲۹۷؛ معین، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۹۱۲).

تعریف اصطلاحی سلم در مذاهب پنج‌گانه به گونه‌ای دیگر است:

در دیدگاه شافعیه بیان می‌شود: «سلم بیع شیء موصوف می‌باشد در ذمه بالفظ سلم» (النووی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۷۱؛ الشربینی ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۶۱؛ الخن، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۴۵). اما چنانچه با لفظ بیع به کار رود، موجب اختلاف نظر می‌گردد بدین صورت که: «برخی آن را بیع دانسته و احکام و شرایطی همچون مدت دار بودن ثمن و امکان تأخیر پرداخت ثمن از مجلس عقد را همانند بیع در آن جاری می‌دانند» (الهیتمی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۱۹۳؛ الجزیری، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۳۵۷).

و برخی دیگر آن را همچون سلم دانسته و ملاک را در اینجا معنا می‌دانند نه لفظ، لذا تأخیر پرداخت ثمن و نیز مدت دار بودن ثمن در این معامله را مجاز نمی‌دانند (النووی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۲۹۶؛ العمرانی الشافعی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۳۹۶). اما دیدگاه برتر در میان شافعیان این می‌باشد که چنانچه لفظ سلم به کار رود، سلم محقق می‌شود و چنانچه لفظ بیع به کار رود، بیع محقق می‌گردد (الرملی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۱۸۸؛ البغوی ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۵۶۹).

در مذهب حنفیه، خرید مال مدت دار به صورت نقد را سلم می‌دانند (السرخسی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۱۴۶؛ الصاغر جی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۵۶؛ ابن نجیم، ۱۴۲۲ق، ج ۶، ص ۲۲۷؛ ابن عابدین، ۱۴۱۵ق، ج ۷، ص ۴۵۴؛ طهماز، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۲۸۵). آنان صاحب پول را مسلم یا رب السلم می‌نامند، صاحب کالای مدت دار، مسلم الیه و کالا را مسلم فیه و نیز ثمن (سرمایه) را رأس المال یا مسلم می‌نامند.

اگر فردی اقدام به خرید گندم با موعد تحویل مشخص در آینده و پرداخت نقدی در زمان عقد نماید، این معامله در قالب عقد سلم قرار می‌گیرد. در چنین معاملاتی، اصطلاحات رایج به این صورت هستند: خریدار را «مسلم»، فروشنده را «مسلم‌الیه»، کالای مورد معامله را «مسلم‌فیه» و مبلغ پرداختی را «مُسل» می‌نامند (السمرقندی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۸). لازم به ذکر است که برای صحت این نوع قرارداد، استفاده از واژه‌های «سلم» یا

«سلف» در متن عقد الزامی نیست و تحقق آن وابسته به لفظ خاصی نمی باشد (الکاسانی،

۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۴۳۰؛ البلخی، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۲۰۸؛ الرامفوری ۱۴۱۱ق، ج ۷، ص ۵۳۳).

در مذهب مالکیه سلم را این گونه تعریف می کنند: «عقد معاوضه ای که موجب اشتغال ذمه به غیر عین و منفعت می شود که عوضین نیز متماثل نیستند» (المغربی، ۱۴۱۶ق، ج ۶، ص ۴۷۶؛ المجاجی، ۱۴۲۲ق، ص ۳۹؛ الخرشى المالکی، ۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۶۳) منظور از معاوضه یعنی دارای عوض بودن است که هر کدام از طرفین چیزی را به طرف مقابل می پردازد، از این رو در مواردی همچون صدقه، هبه و سایر مواردی به این صورت که معاوضه ای در آن وجود ندارد از مصادیق سلم خارج می شوند.

با قید «غیر عین» فروش کالای مدت دار را در مقابل طلا و نقره از شمول این تعریف خارج می شود و نیز با قید «غیر منفعت» مواردی همچون کرایه خانه خارج می شود؛ چراکه در این موارد یکی از عوضین منفعت است و در نهایت قید «متماثل نبودن عوضین»، قرض را از این تعریف خارج می کند.

برخی دیگر از علمای این مذهب سلم را این گونه تعریف می کنند: «فروش شیئی موصوف مدت دار در ذمه به غیر جنس» (الزحیلی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۴۵۶؛ الصاوی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۱۶۳؛ آل مبارک الاحسائی، بی تا، ج ۳، ص ۴۴۷).

سلم در دیدگاه علمای حنابلّه این گونه تعریف می شود: «سلم عقدی است بر شیئی که قابلیت فروش دارد به صورت موصوف در ذمه تا مدت معین» (المقدسی، ۱۴۲۵ق، ج ۵، ص ۶۴۲؛ المرداوی ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۸۴؛ الشویکی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۶۴۵؛ الغامدی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۱۳۰؛ الفهد المزیّد، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۶۴؛ الاشقر، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۴۰) ذمه وصفی می باشد؛ چراکه مکلف ملزم له اهلیت می شود (السیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۴، ص ۲۰۹) از نظر علمای این مذهب، سلف با لفظ بیع و نیز حتی با هر لفظی که بتوان با آن بیع را صورت داد، صحیح است همچون تملک، هبه و... نیز در سلم واقع می گردد (ابو الخیر، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۴۳۸؛ ابن مفلح، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۱۷۱؛ الزرکشی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳؛ البهوتی ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۳۳۷).

علمای امامیه سلم را خرید کلی مدت دار در مقابل ثمن نقد می دانند (خوانساری، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۳۱۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۲۹۵؛ العالمی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۴۰۴؛ نجفی ج ۲۴، ص ۲۶۷).

محقق قمی در تعریف بیع سلم می‌نویسد: «خریدن مال موصوفی است مضمون در ذمه تا مدت معلوم به مال موصوفی که حاضر باشد و در مجلس بیع قبض شود یا در حکم حاضر مقبوض باشد مثل اینکه در مجلس بیع نبوده و بعد از بیع حاضر کرده و قبل از تفرق به قبض مشتری داده شود، از این باب است هرگاه بخرد آن چیز را به دینی که از مشتری طلب دارد» (قمی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۸۹).

از این رو می‌توان بیان داشت که (سلم) نوعی قرارداد فروش است که در آن مشتری متعهد می‌شود کالای مشخصی را در آینده برای خریدار تهیه نماید، در برابر بهایی که در زمان انعقاد قرارداد دریافت می‌کند. در این نوع معامله، مبلغ پرداختی به صورت نقدی انجام می‌شود، اما تحویل کالا به زمان بعدی موکول می‌شود.

۲. مشروعیت بیع سلم

فقها برای اثبات مشروعیت عقد سلم به کتاب، سنت و اجماع تمسک می‌نمایند؛ که به آنها اشاره می‌شود:

۲-۱. قرآن کریم

از قرآن کریم به آیه شریفه: «یا ایها الذین آمنوا اذا تداینتم بدین الی اجل مسمی فاکتبه» (بقره، ۲۸۲) استدلال نموده‌اند؛ یعنی ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگامی که بدهی مدت‌داری به یکدیگر پیدا می‌کنید آن را بنویسید.

دین در این آیه عمومیت داشته و شامل دین سلم نیز می‌شود؛ چرا که دین هر چیزی است که در ذمه قرار می‌گیرد (نجفی، بی‌تا، ج ۲۴، ص ۲۶۸؛ الشافعی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۹۳؛ السرخسی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۱۴۶؛ القرافی، ۱۹۹۴ق، ج ۵، ص ۲۲۳؛ المقدسی، ۱۴۲۵ق، ج ۵، ص ۶۴۲؛ الخن، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۴۶).

۲-۲. سنت

در سنت روایت شده که: «پیامبر ﷺ وارد مدینه شد در حالی که مردم خرما را پیش

فروش می‌کردند، پیامبر ﷺ فرمود: هر کس سلف می‌کند باید در کیل معلوم وزن معلوم و مدت معلوم، سلف نماید. یعنی پیامبر ﷺ آن را نهی نکرد بلکه با این بیان تأیید نموده است» (الشافعی، ۱۴۰۳ق، ص ۹۴؛ السرخسی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۴۷؛ المقدسی، ۱۴۲۵ق، ج ۵؛ الرملی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۱۸۲؛ المغربي، ۱۴۱۶ق، ج ۶، ص ۴۷۷؛ الزحیلی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، صص ۴۵۷-۴۵۸؛ البخاری، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۵۹، ح ۲۲۳۹ و ۲۲۴۰). هدف اصلی از این نوع قرارداد، پاسخ‌گویی به نیازهای مالی کشاورزان بوده است؛ زیرا آنان برای تأمین هزینه‌های کشت و زرع و همچنین رفع نیازهای معیشتی خانواده تا زمان برداشت محصول، به منابع مالی نیاز داشتند. با توجه به ممنوعیت ربا در شریعت، امکان تأمین این نیاز از طریق وام ربوی وجود نداشت؛ از این‌رو، به کشاورزان اجازه داده شد تا محصولات خود را پیش از برداشت، به صورت پیش‌فروش عرضه کنند تا بتوانند سرمایه لازم را برای ادامه فعالیت‌های تولیدی خود فراهم سازند.

پیش فروش سبب شد تا تجار بتوانند پس از دریافت قیمت به آسانی تجارت کنند؛ چراکه تجار ناچار بودند کالاهایی را به نقاط دیگر صادر و برخی کالاها را نیز به کشور خود وارد نمایند. اما پس از ممنوعیت ربا، دیگر مجاز به قرض گرفتن نبودند. اما پیش فروش سبب شد که این مشکل حل شود.

۲-۳. اجماع

از دیدگاه فقه امامیه، مشروعیت عقد سلم از سنت متواتر اتخاذ شده است (نجفی، بی‌تا، ج ۲۴، ص ۲۶۸؛ موسوی سبزواری، ۱۴۱۶ق، ج ۱۸، ص ۲۶). همچنین اجماع عملی مسلمانان نیز مؤید جواز این نوع معامله است؛ چراکه در دوران نبوت، مردم اقدام به عقد سلم می‌کردند و پیامبر اکرم ﷺ آنان را از این عمل منع نفرمود. صحابه نیز از این شیوه معاملاتی بهره می‌بردند و تا امروز، این نوع تعامل در میان مسلمانان رایج بوده است (الصاغر جی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۵۶؛ ابن نجیم، ۱۴۲۲ق، ج ۶، ص ۲۲۸؛ نجفی، بی‌تا، ج ۲۴، ص ۲۶۸).

تولیدکنندگان در جامعه مانند کشاورزان و صاحبان صنایع، به قرارداد سلم نیازمندند؛ زیرا اغلب برای آغاز یا ادامه فعالیت‌های تولیدی خود به سرمایه اولیه احتیاج

دارند. آنان با پیش فروش محصولات خود، منابع مالی لازم را به دست آورده و با آن می توانند مواد اولیه تهیه کرده، هزینه های مربوط به کارخانه یا مزرعه را تأمین نمایند. پس از آماده شدن کالا، در موعد مقرر آن را به خریدار تحویل می دهند.

در نتیجه، فروشنده از یک سو به سرمایه مورد نیاز دسترسی پیدا می کند و از سوی دیگر، دغدغه ای برای یافتن مشتری ندارد؛ زیرا محصول را از پیش فروخته است. خریداران نیز با پرداخت مبلغی کمتر، کالا را با قیمت مناسب تری تهیه می کنند.

در شرایط کنونی، قرارداد سلم می تواند به عنوان الگویی برای سرمایه گذاری توسط بانک ها و نهادهای مالی مورد استفاده قرار گیرد؛ چرا که معمولاً قیمت کالا در قرارداد سلم پایین تر از قیمت نقدی آن است و این اختلاف قیمت می تواند سود قابل توجهی برای مؤسسات مالی به همراه داشته باشد. برای اطمینان از تحویل کالا در زمان مقرر، بانک ها می توانند از فروشنده ضمانتی دریافت کنند که ممکن است به صورت وثیقه، رهن یا ضمانت نامه باشد.

بیشتر فقهای اهل سنت، مشروعیت سلم را برخلاف قیاس و قواعد کلی معاملات می دانند؛ زیرا آن را نوعی فروش کالای معدوم تلقی می کنند که ممکن است به غرر منجر شود، چرا که مشخص نیست در زمان تحویل، کالا موجود باشد یا نه. با این حال، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این نوع معامله را به دلیل نیاز مردم، مجاز دانسته است (الکاسانی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۴۳۰).

برخی از علمای اهل سنت معتقدند که پیامبر صلی الله علیه و آله از فروش کالای معدوم نهی کرده و سلم را استثنا کرده است. عبارتی که در این زمینه نقل شده، به عنوان حدیث نبوی مطرح شده است (الکاسانی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۴۳۰). اما گروهی دیگر این عبارت را حدیث نمی دانند و معتقدند آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله به حکیم بن حزام فرمود، این بود که: «چیزی را که در اختیار نداری، نفروش» (الاشقر، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۸۵).

بر همین اساس، ابن قیم برخلاف نظر غالب فقها، سلم را مطابق با قواعد شرعی دانسته است (الجوزیه، ۱۴۲۱ق، ج ۴، ص ۲۵۰؛ ابن تیمیه، ۱۳۹۷ق، ج ۴، ص ۴۷۶). به باور او، منظور پیامبر صلی الله علیه و آله از نهی، فروش کالای مشخصی بوده که متعلق به دیگری است و فرد قبل از

خرید آن، اقدام به فروش کرده و سپس در صدد تهیه آن برای مشتری برمی آید. یا اینکه منظور، فروش کالایی است که فروشنده توانایی تحویل آن را ندارد، حتی اگر در ذمه باشد. ابن قیم معتقد است که معنای دوم صحیح‌تر است؛ بنابراین، فرد متعهد به تحویل کالایی است که از موجود بودن آن در آینده اطمینان ندارد. اگر قرارداد سلم دارای مدت باشد، در حکم دین است و مشابه خرید نسیه با پرداخت مؤجل تلقی می‌شود. در نتیجه، تفاوتی میان مدت‌دار بودن ثمن یا مبیع وجود ندارد و سلم نیز همانند نسیه، مطابق با اصول فقهی است.

برخی از فقه‌های حنفی نیز این دیدگاه را پذیرفته‌اند (ابن الهمام، بی‌تا، ج ۶، ص ۲۰۴). قرارداد سلم در برخی از کشورهای عربی همچون اردن (مواد ۵۳۲ تا ۵۳۸ قانون مدنی)، کشور سودان (مواد ۲۱۷ تا ۲۲۲ قانون مدنی)، کشور یمن (مواد ۵۹۲ تا ۵۹۹ قانون مدنی) به طور خاص مطرح و به این نوع معامله پرداخته است.

در قانون مدنی سوریه تصریح به سلم وجود ندارد و دلیل آن دیدگاه وسیعی است که قانون مدنی سوریه نسبت به معامله کالای آینده دارد (سوار، ۲۰۰۱، ص ۲۶۵). دکتر سنه‌وری نیز درباره سلم در قانون مدنی مصر می‌نویسد: «در قانون مدنی مصر نص خاصی راجع به بیع سلم وجود ندارد و قانون نیاز به آن ندارد زیرا فروش کالای آینده از نظر قانون مدنی جایز است به شرط اینکه محتمل الوجود باشد، بنابراین جایز است کالاهای آینده و مکملات و موزونات را فروخت هر چند در حال حاضر موجود نباشد و بیع به این شکل تابع قواعد عامه است؛ بنابراین لازم نیست ثمن در مجلس عقد پرداخت گردد یعنی شرایط سلم در این موارد جاری نیست» (السنه‌وری، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۲۳).

در قانون مدنی ایران نیز قوانینی در رابطه با بیع سلم بیان نشده است، اما حقوقدانان از مفاد برخی مواد قانونی مانند ماده ۳۴۱ قانون مدنی جایز بودن این عقد سلم را اتخاذ نموده‌اند. (امامی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۴۵۴).

۳. شرایط بیع سلم

به طور خلاصه می‌توان شرایط بیع سلم را این گونه بیان کرد:

۱-۳. شرایط ثمن

- ثمن باید به‌طور دقیق مشخص باشد؛ به این معنا که ویژگی‌هایی مانند جنس، نوع، مقدار و خصوصیات آن باید به‌روشنی تعیین شود. صرف مشاهده یا رؤیت کالا برای تعیین ثمن کافی نیست، هرچند در برخی معاملات مانند بیع مطلق، مشاهده می‌تواند جایگزین تعیین دقیق شود (نجفی، بی‌تا، ج ۲۴، ص ۲۹۹؛ القرافی، ۱۹۹۴ق، ج ۵، ص ۲۵۴؛ السمرقندی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۹).
- پرداخت ثمن باید در زمان انعقاد قرارداد انجام شود؛ یعنی مبلغ معامله باید در همان جلسه عقد به فروشنده تسلیم گردد (نجفی، بی‌تا، ج ۲۴، ص ۲۹۳؛ الرملی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۱۸۴؛ الزرکشی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۴).

۲-۳. شرایط مسلم فیه

- یکی از شرایط اساسی در مورد «مسلم فیه» آن است که نباید به‌صورت عین مشخص باشد، بلکه باید کلی در ذمه تلقی شود. همچنین لازم است ویژگی‌های آن به گونه‌ای باشد که بتوان آنها را به‌طور دقیق مشخص و ثبت کرد (نجفی، بی‌تا، ج ۲۴، ص ۲۸۰؛ النوری، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۷۲؛ المقدسی، ۱۴۲۵ق، ج ۵، ص ۶۳۲).
- «مسلم فیه» باید کاملاً مشخص و معلوم باشد؛ به این معنا که نوع، جنس، مقدار و خصوصیات آن باید به‌روشنی تعیین گردد (نجفی، بی‌تا، ج ۲۴، ص ۲۷۵؛ النجدی، ۱۴۲۲ق، ص ۳۹۲؛ الدمنه‌وری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۲۵).
- «مسلم فیه» باید دارای زمان تحویل مشخصی باشد و مدت قرارداد سلم نیز باید به‌طور دقیق تعیین شده باشد (نجفی، بی‌تا، ج ۲۴، ص ۲۵۹؛ المقدسی، ۱۴۲۵ق، ج ۵، ص ۶۶۴؛ الدمنه‌وری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۲۵).

۴. قرارداد آتی سکه طلا

قرارداد آتی سکه طلا یا توافق پیش‌فروش، نوعی معامله دوطرفه به شمار می‌رود که در

آن خریدار اقدام به خرید سکه طلا می‌نماید، اما قصد ندارد در زمان انعقاد قرارداد، کالا را دریافت کند. بلکه تمایل دارد تحویل سکه را به زمان مشخصی در آینده موکول کرده و مبلغ آن را در موعد مقرر به فروشنده پرداخت کند (معصومی نیا، ۱۳۸۹، ص ۲۴). البته این قرارداد نیازمند تضمین بوده که به صورت ودیعه نزد بورس کالا قرار می‌گیرد (صالح آبادی، ۱۳۸۵، ص ۳۱). همچنین در این نوع قرارداد الزامی به رد و بدل فیزیکی وجود ندارد به این معنا که انتقال مالکیت دارایی بلفور مطرح نمی‌شود. این نوع توافق‌نامه (قرارداد آتی سکه طلا) در بازارهای بین‌المللی مورد استقبال سرمایه‌گذاران و بازرگانان قرار گرفته است؛ زیرا منافع طرفین معامله یعنی خریدار و فروشنده را تأمین کرده و همچنین بستری مناسب برای کسب سود توسط معامله‌گران نوسانی فراهم می‌سازد. به‌طور کلی، فعالان این نوع معاملات را می‌توان در سه گروه دسته‌بندی کرد:

- خریداران: افرادی که سکه‌های طلا را با قیمت مشخص در بازار پیش‌فروش خریداری می‌کنند.

- فروشندگان: کسانی که سکه‌های خود را با نرخ توافق‌شده در زمان دلخواه عرضه می‌نمایند.

- نوسان‌گیران: معامله‌گرانی که قصد تحویل یا دریافت فیزیکی کالا را ندارند، بلکه با پیش‌بینی دقیق روند قیمت‌ها، سود قابل توجهی کسب می‌کنند.

هدف اصلی این نوع قراردادها در بازار بورس کالا، کنترل و کاهش ریسک ناشی از نوسانات قیمت سکه طلا است (درخشان، ۱۳۹۰، ص ۹۵) و همچنین ابزاری برای تأمین منابع مالی فروشنده بدون نیاز به تحویل فوری کالا به شمار می‌رود. این نوع معاملات می‌تواند به رشد اقتصادی کشور کمک کند؛ زیرا هر دو طرف معامله با استفاده از این ابزار مالی، ریسک خود را مدیریت کرده و در عین حال امکان دستیابی به سودهای بالا را خواهند داشت (ره‌پیک، ۱۳۸۷، ص ۳۷۱).

از دیگر مزایای این قراردادها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- معافیت‌های مالیاتی

- اختصاص سود بانکی به موجودی حساب مشتری

- ثبت و انتقال سود و زیان

- و

۵. دیدگاه مذاهب

پیش فروش سکه در فقه اسلامی، در صورتی که شرایط عقد سَلَم (پیش فروش) رعایت شود، از نظر اکثر مذاهب اسلامی جایز است؛ اما با قیودی خاص. مهمترین شرط آن پرداخت کامل ثمن در مجلس عقد و تعیین دقیق اوصاف سکه است. از این رو دیدگاه مذاهب اسلامی درباره پیش فروش سکه را می توان این گونه بیان کرد:

۵-۱. فقه امامیه (شیعه)

- جواز مشروط: پیش فروش سکه در قالب عقد سَلَم (بیع سَلَف) جایز است، به شرط آنکه:

- ثمن (پول) به صورت نقد و کامل در مجلس عقد پرداخت شود؛
- مشخصات سکه (وزن، عیار، شکل، زمان تحویل) دقیقاً معلوم باشد؛
- سکه موجود نباشد (چون سَلَم در مورد کالاهای موجود جاری نمی شود).
- استدلال فقهی: آیه ۲۸۲ سوره بقره و روایات متعدد درباره جواز بیع سَلَم، بویژه در کالاهایی که تحویل آن در آینده است، مبنای این حکم هستند.

۵-۲. فقه حنفی

- جواز با شرایط: حنفیان نیز بیع سَلَم را جایز می دانند و پیش فروش سکه را در این قالب می پذیرند، به شرط:
- پرداخت کامل ثمن در مجلس عقد؛
- تعیین دقیق مقدار، نوع، وزن و زمان تحویل سکه.

- نکته مهم: اگر سکه طلا به عنوان «ربوی» تلقی شود، باید از هر گونه معامله نسیه یا مبادله غیرهم زمان پرهیز شود، مگر در قالب سَلَم.

۵-۳. فقه شافعی

- جواز مشروط: شافعیه نیز بیع سَلَم را جایز می دانند، اما تأکید دارند که در مورد کالاهای ربوی مانند طلا، باید دقت بیشتری در تعیین اوصاف و پرداخت نقدی ثمن شود.

۵-۴. فقه مالکی و حنبلی

- جواز با قیود مشابه: این دو مذهب نیز پیش فروش را در قالب سَلَم جایز می دانند، مشروط به رعایت شرایطی مانند:

- پرداخت نقدی ثمن؛
- تعیین دقیق اوصاف کالا؛
- تعیین زمان و مکان تحویل.

از این رو رعایت نکات فقهی مهم درباره پیش فروش سکه که بیان می شود جهت صحیح بودن این پیش فروش لازم است: پرداخت کامل ثمن در مجلس عقد، شرط اصلی صحت عقد سَلَم در همه مذاهب، تعیین دقیق اوصاف سکه، وزن، عیار، شکل، تعداد، زمان و مکان تحویل باید مشخص باشد، عدم وجود ابهام یا غرر، هر گونه ابهام در قرارداد، آن را باطل می کند، عدم معامله ربوی، اگر معامله به صورت نسیه یا مبادله طلا با طلا باشد، باید هم زمان و هم وزن باشد تا ربا نباشد.

۵-۵. نظر مراجع معاصر

- آیت الله مکارم شیرازی: پیش فروش سکه در صورتی که وجه آن نقداً پرداخت شود و اوصاف سکه مشخص باشد، جایز است. (<https://www.makarem.ir/>)

- سید عباس موسویان (عضو کمیته بانکداری بدون ربا): اگر پیش فروش در

قالب قرارداد سَلَم باشد و وجه نقداً پرداخت شود، از نظر شرعی اشکالی ندارد؛ اما در صورت علی‌الحساب بودن یا پرداخت قسطی، اشکال دارد.
(<https://www.eghtesadonline.com>)

در نتیجه، پیش فروش سکه در فقه اسلامی، در قالب عقد سَلَم با رعایت شرایط خاصی مانند پرداخت نقدی، تعیین دقیق اوصاف و زمان تحویل، جایز است. اما اگر این شرایط رعایت نشود، بویژه در صورت پرداخت قسطی یا ابهام در قرارداد، معامله باطل یا مشکوک به ربا خواهد بود.

۶. بررسی دیدگاه مخالفان و موافقان

۶-۱. دیدگاه مخالفان

دیدگاه مخالفان پیش فروش سکه (بویژه بدون رعایت شرایط دقیق) عمدتاً مبتنی بر مبانی فقهی زیر است:

۱. منع فروش کالای معدوم (ما لم یُقْبَض)

استدلال فقهی:

در فقه اسلامی به طور اصل، فروش کالایی که وجود ندارد یا تحویل داده نشده (بیع ما لم یُقْبَض) ممنوع است، زیرا منجر به غرر (ابهام و خطر) و ضرر می شود. اعمال بر پیش فروش سکه:

اگر سکه در زمان عقد موجود نباشد و تنها در آینده تحویل داده شود، این معامله مصداق فروش کالای معدوم است، مگر آنکه در قالب سَلَم مشروط باشد.

۲. شرایط سخت گیرانه عقد سَلَم که اغلب رعایت نمی شود

مخالفان استدلال می کنند در عمل، پیش فروش های رایج سکه شرایط سَلَم شرعی را کامل رعایت نمی کنند، از جمله:

پرداخت نقدی کامل قیمت: در بسیاری از پیش فروش ها، خریدار تنها وجه تضمین یا بخشی از مبلغ را می پردازد، نه تمام ثمن را در مجلس عقد.

ابهام در اوصاف کالا: اگر نوع سکه، عیار، وزن یا زمان تحویل به طور دقیق تعیین نشود، قرارداد باطل است.

عدم توانایی تحویل (توالی): اگر فروشنده اطمینان نداد که در موعد مقرر می تواند سکه را تهیه کند، معامله غرری و باطل است.

۳. تشابه به ربای قرضی (اگر سکه پول تلقی شود)

طلا به عنوان پول:

در فقه، طلا و نقره ذرین نقدی محسوب می شوند و معامله آنها تابع قواعد خاص ربا است. اگر سکه به عنوان پول داد و ستد شود، پیش فروش آن ممکن است به ربای نسبه تبدیل شود، زیرا:

اگر ثمن و مبیع هر دو طلا باشند، باید هم زمان و هم وزن مبادله شوند.

در پیش فروش، تحویل ثمن (پول) و مبیع (سکه) در دو زمان متفاوت اتفاق می افتد که اگر اختلاف وزن یا ارزش داشته باشد، ربا به شمار می رود.

۴. دیدگاه برخی مذاهب درباره محدودیت سَلَم

انحصار سَلَم به کالاهای کلی و معمولی:

برخی فقهای اهل سنت معتقدند سَلَم فقط در کالاهای کلی (مانند گندم، جو) که امکان توصیف دقیق دارند جاری می شود، نه در اشیای ارزشمند مثل طلا که ممکن است دچار نوسان شدید قیمت شوند.

ممنوعیت در اموال ربوی:

اگر سکه طلا به عنوان مال ربوی در نظر گرفته شود، برخی فقها معامله سَلَم در آن را جایز نمی دانند مگر با رعایت شرایط بسیار سخت.

۵. ریسک غرر و ضرر به خریدار

نوسان قیمت طلا:

به دلیل نوسان شدید قیمت طلا، ممکن است در زمان تحویل، ارزش سکه بسیار متفاوت با قیمت پیش فروش باشد که به ضرر یکی از طرفین و اختلاف مالی می انجامد.

این امر با قاعده لاضرر در اسلام تعارض دارد.
در نهایت می‌توان بیان داشت که مخالفان پیش‌فروش سکه را به دلایل زیر غیرشرعی یا پرریسک می‌دانند:

- عدم رعایت کامل شرایط سَلَم در قراردادهای رایج.
- تشابه به ربا اگر سکه به‌عنوان پول تلقی شود.
- ابهام و غرر ناشی از نوسان قیمت و عدم تضمین تحویل.
- خطر سفته‌بازی و انحراف از اهداف واقعی تأمین مالی اسلامی.

این دیدگاه عمدتاً محافظه‌کارانه‌تر است و بر پرهیز از شبهه‌های مالی و رعایت شدید موازین فقهی سستی تأکید دارد.

۲-۶. دیدگاه موافقان

موافقان معتقدند پیش‌فروش سکه طلا در قالب عقد سَلَم (سلف) شرعی و جایز است، مشروط بر رعایت شرایط خاص. استدلال‌های اصلی آنان عبارتند از:

۱. استناد به منابع فقهی معتبر

قرآن: آیه ۲۸۲ سوره بقره («يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَيْتُمْ بِدَيْنٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ») که به نوشتن دین مدت‌دار اشاره دارد. فقها استدلال می‌کنند «دین» در این آیه شامل دین ناشی از عقد سَلَم نیز می‌شود.

سنت: روایاتی از پیامبر ﷺ که خرید سلف (پیش‌فروش) را با شرایط معین مجاز دانسته‌اند (مانند تعیین دقیق مقدار، وزن و مدت تحویل). پیامبر ﷺ این معامله را به‌دلیل نیاز مردم نهی نکرده‌اند.

اجماع: اجماع عملی مسلمانان در طول تاریخ بر جواز عقد سَلَم در کالاهای کشاورزی و سایر کالاها.

۲. نیاز اقتصادی جامعه

عقد سَلَم راه‌حلی شرعی برای تأمین نقدینگی تولیدکنندگان (مانند کشاورزان،

صنعتگران) است تا بتوانند با پیش فروش محصول، سرمایه لازم برای فعالیت را فراهم کنند.

در اقتصاد امروز، این قرارداد می تواند به عنوان ابزار مالی اسلامی توسط بانک ها و نهادهای مالی برای سرمایه گذاری بدون ربا استفاده شود.

۳. رعایت شروط صحت عقد سَلَم

موافقان تأکید می کنند در صورت رعایت شرایط زیر، پیش فروش سکه کاملاً شرعی است:

پرداخت نقدی و کامل ثمن در مجلس عقد.

تعیین دقیق اوصاف سکه (وزن، عیار، نوع، تعداد، زمان و مکان تحویل.

عدم وجود ابهام (غرر) در قرارداد.

قابلیت تحویل سکه در آینده توسط فروشنده.

۴. هم خوانی با قوانین مدنی

در قوانین برخی کشورهای اسلامی (مانند اردن، سودان، یمن) عقد سَلَم به صورت صریح پیش بینی شده است.

در حقوق ایران نیز از ماده ۳۴۱ قانون مدنی می توان جواز آن را استنباط کرد.

۶-۳. دیدگاه منتخب

با توجه به مطالب بیان شده محقق دیدگاه موافقان را برتر دانسته و این دلایل را برای انتخاب خود بیان می دارد:

۱. پاسخ به نیاز واقعی اقتصادی

موافقان با ارائه چارچوب شرعی (سَلَم)، راه حلی عملی برای تأمین مالی بدون ربا ارائه می دهند، در حالی که مخالفان معمولاً فقط به حرمت احتمالی اشاره می کنند بدون ارائه جایگزین شرعی.

۲. تکیه بر سابقه فقهی طولانی

عقد سلم در تمام مذاهب اسلامی (امامیه، حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی) با شرایط مشترک پذیرفته شده است. این اجماع تاریخی، استدلال موافقان را مستحکم‌تر می‌کند.

۳. جلوگیری از انسداد اقتصادی

مخالفان ممکن است با استناد به «نهی از بیع ما لم یقبض» (فروش کالای تحویل نشده) یا «غرر» معامله را باطل بدانند؛ اما موافقان با تشریح شرایط دقیق سلم (پرداخت نقدی، تعیین اوصاف) این نگرانی‌ها را مرتفع می‌سازند.

۴. هماهنگی با توسعه مالی اسلامی

موافقان با تنظیم قراردادهای آتی سکه در چارچوب سلم، مدل‌های مالی نوین را با فقه سنتی پیوند می‌دهند، در حالی که مخالفان ممکن است به کلی این ابزارها را رد کنند.

۵. تأیید مراجع معاصر

نظر مراجعی مانند آیت‌الله مکارم شیرازی و کارشناسانی مانند سید عباس موسویان (کمیته بانکداری بدون ربا) که با رعایت شرایط، پیش‌فروش سکه را جایز می‌دانند، به استدلال موافقان اعتبار بیشتری می‌بخشد.

موافقان پیش‌فروش سکه با تکیه بر: منابع نقلی (کتاب، سنت، اجماع)، ضرورت‌های اقتصادی و شروط دقیق فقهی؛ استدلال می‌کنند که این معامله در قالب عقد سلم مشروع است. برتری دیدگاه آنان در ایجاد تعادل بین احکام شرعی و نیازهای مالی جامعه است، در حالی که دیدگاه مخالفان عموماً بر احتیاط محض بدون ارائه راه‌حل جایگزین تأکید دارد.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب بیان شده مشخص شد که (سلم) قرارداد فروشی است که در آن فروشنده متعهد می‌شود کالای مشخصی را در آینده برای خریدار تهیه کند، در برابر

بهایی که در زمان انعقاد قرارداد دریافت می‌نماید. در این نوع معامله، مبلغ پرداختی نقدی است، اما تحویل کالا به زمان بعدی موکول می‌شود. فقهای اسلامی برای اثبات مشروعیت این نوع عقد، به منابعی چون قرآن، سنت پیامبر و اجماع علما استناد می‌کنند. گروه‌های تولیدی جامعه مانند کشاورزان و صنعتگران، به این نوع معامله نیازمندند؛ زیرا اغلب برای شروع یا ادامه فعالیت‌های تولیدی خود به سرمایه اولیه احتیاج دارند. آنان با فروش پیش‌هنگام محصولات خود، منابع مالی لازم را تأمین کرده و با آن می‌توانند مواد اولیه تهیه کرده، هزینه‌های مربوط به تولید، کارخانه یا مزرعه را پرداخت نمایند. پس از آماده شدن کالا، در موعد مقرر آن را به خریدار تحویل می‌دهند. در نتیجه، فروشنده از یک سو به سرمایه دسترسی پیدا می‌کند و از سوی دیگر، دغدغه‌ای برای یافتن مشتری ندارد، چرا که محصول را از پیش فروخته است. خریداران نیز با پرداخت مبلغی کمتر، کالا را با قیمت مناسب‌تری تهیه می‌کنند.

در شرایط کنونی، قرارداد سلم می‌تواند به‌عنوان الگویی برای سرمایه‌گذاری توسط بانک‌ها و نهادهای مالی مورد استفاده قرار گیرد؛ چرا که معمولاً قیمت کالا در قرارداد سلم پایین‌تر از قیمت نقدی آن است و این اختلاف قیمت می‌تواند سود قابل توجهی برای مؤسسات مالی به همراه داشته باشد. برای اطمینان از تحویل کالا در زمان مقرر، بانک‌ها می‌توانند از فروشنده ضمانتی دریافت کنند که ممکن است به‌صورت وثیقه، رهن یا ضمانت‌نامه باشد.

با در نظر گرفتن ویژگی‌های بیع سلم، قراردادهای آتی مانند پیش‌فروش سکه طلا نیز نوعی توافق دوطرفه محسوب می‌شوند که در آن خریدار قصد ندارد کالا را در زمان عقد دریافت نماید، بلکه دریافت را موکول به چند ماه آینده می‌کند و مبلغ آن را در زمان مقرر به فروشنده پرداخت نماید. با توجه به بیانات و مطالب بیان شده از مذاهب اسلامی و همچنین قوانین کشورهای هم‌چون سوریه، مصر و ایران می‌توان دریافت که اجرای بیع سلم در طرح پیش‌فروش سکه مجاز است و افزون بر جواز آن، می‌توان به مزیتی که برای اقتصاد کشور جهت کاهش تورم و رونق اقتصاد اشاره کرد.

منابع

- ابن الهمام، کمال الدین محمد. (بی تا). شرح فتح الباری. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی. (۱۴۷۱ق). فتح الباری شرح صحیح البخاری. بیروت-لبنان: دارالکتب العلمیه.
- ابن تیمیه، احمد بن عبد الحلیم. (۱۳۹۷ق). الفتاوی الکبری (ج ۴، چاپ دوم). بیروت-لبنان: دارالکتب العلمیه.
- ابن تیمیه، احمد بن عبد الحلیم. (۱۴۰۸ق). الفتاوی الکبری. بیروت-لبنان: دارالکتب العلمیه.
- ابن عابدین، محمد امین. (۱۴۱۵ق). رد المحتار علی الدر المختار. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن عابدین، محمد امین. (۱۴۲۳ق). رد المحتار علی الدر المختار. ریاض-عربستان: دار عالم الکتب.
- ابن مفلح، ابراهیم بن محمد. (۱۴۱۸ق). المبدع. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن مفلح حنبلی، ابراهیم بن محمد. (۱۹۸۰م). المبدع فی شرح المقنع. سوریه-دمشق: المکتب الاسلامی.
- ابن منظور، محمد. (۱۴۰۸ق). لسان العرب. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۰۴ق). لسان العرب. بیروت-لبنان: دارالفکر.
- ابن نجیم، زین الدین. (۱۴۲۲). البحر الرائق فی شرح کنز الدقائق. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ابن نجیم، زین الدین بن ابراهیم. (۱۴۲۲ق). البحر الرائق شرح کنز الدقائق. قم: المطبعه العلمیه.
- ابو الخیر، علی عبد الحمید. (۱۴۲۱ق). المعتمد فی فقه الامام احمد (ج ۳). دمشق: دار الخیر.
- ابو الخیر، علی. (۱۴۲۱ق). المعتمد فی فقه الامام احمد. دمشق-سوریه: دارالخیر.
- ابو عمرو، شهاب الدین. (۱۴۲۳ق). القاموس الوافی. بیروت: دار الفکر.

- ابو عمرو، شهاب الدین. (۱۳۸۲). القاموس الوافی. بیروت-لبنان: دارالفکر.
- اشقر، محمد سلیمان عبد الله. (۱۴۱۹ق). المجلد فی الفقه الحنبلی. دمشق: دار القلم.
- امامی، سید حسن. (۱۳۷۳ق). حقوق مدنی (چاپ چهارم). تهران: کتاب فروشی اسلامیة.
- انصاری، شیخ مرتضی. (۱۴۰۴). مکاسب. بی جا: بی نا.
- آل مبارک الاحسانی، عبدالعزیز حمد. (بی تا). تبیین المسالک. بیروت: دار المغرب الاسلامی.
- بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۱۹ق). صحیح البخاری. بیروت: دار الفکر.
- بغوی، حسین بن مسعود. (۱۴۱۸ق). التهذیب فی فقه الامام الشافعی. بیروت-لبنان: دار الکتب العملية.
- بلخی، نظام الدین. (۱۴۲۳ق). الفتاوی الهندیة. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- برهانپوری، نظام. (۱۴۱۱ق). الفتاوی الهندیة فی مذهب الامام الاعظم ابی حنفیه النعمان. بیروت-لبنان: دار صادر.
- بهوتی، منصور. (۱۴۱۸ق). کشف القناع (ج ۱). بیروت: دار الکتب العلمية.
- بهوتی، منصور. (۱۳۸۸). کشف القناع. بیروت: دار الکتب العلمية.
- جزری، مبارک بن محمد ابن الأثیر. (۱۴۲۳ق). النهاية فی غریب الحديث والاثار. بیروت: دار المعرفة.
- جزیری، عبدالرحمن. (۱۴۱۹ق). الفقه علی المذاهب الأربعة. بیروت: دار الثقلین.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۷۸). مبسوط در ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش.
- جوزیه، محمد بن ابی بکر ابن قیم. (۱۴۲۱ق). جامع الفقه. قم: دار الوفاء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۰۲ق). الصحاح. بیروت: دار الکتب العربیه.
- خرشی المالکی، محمد. (۱۴۱۷ق). حاشیة الخرش. بیروت: دار الکتب العلمية.
- خمینی، سیدروح الله. (۱۴۱۵ق). البیع. قم: مؤسسة النشر الاسلامی
- خمینی، سیدروح الله. (۱۴۳۴ق). تحریر الوسيلة (چاپ سوم). قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

خن، مصطفی و البغاء مصطفى. (۱۴۱۷ق). الفقه المنهجي على مذهب الامام الشافعي. دمشق: دار العلوم الانسانية.

خوانساری، سید احمد. (۱۳۶۴). جامع المدارك في شرح مختصر النافع. قم: اسماعيليان.
خوری الشرتونی سعيد. (۱۳۷۴). اقرب الموارد في فصح العربية و الشوارد. قم: دار الاسوة للطباعة والنشر.

درخشان، مسعود. (۱۳۹۰). مشتقات و مدیریت ریسک در بازارهای نفت. تهران: موسسه مطالعات بین المللی انرژی.

دمنهوری، احمد. (۱۴۱۵ق). الفتح الرباني. رياض: دار العاصمة.

دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا (چاپ دوم). تهران: دانشگاه تهران.

رامفوری، محمد عمر. (۱۴۱۱ق). البناية في شرح الهداية (چاپ دوم). بيروت: دار الفكر.

رملی، شمس الدين محمد. (۱۴۱۴ق). نهاية المحتاج. بيروت: دار الكتب العملية.

ره پیک، حسن. (۱۳۸۷). عقود معین. تهران: انتشارات خرسندی.

الزبيدي، محمد مرتضى. (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بيروت: دار الفكر.

زحيلي وهبة. (۱۴۰۹ق). الفقه الاسلامي و ادلته. دمشق: دار الفكر.

زحيلي، وهبة. (۱۴۲۲ق). الفقه المالكي الميسر. دمشق: دار الكلم الطيب.

زرکشی، محمد. (۱۴۱۳ق). شرح الزرکشی علی مختصر الخرقی. بيروت: مكتبة العسکان.

السرخسی، محمد. (۱۴۱۴ق). المبسوط (چاپ دوم). بيروت: دار الكتب العملية.

سمرقندی، علاء الدين. (۱۴۱۴ق). تحفة الفقهاء (چاپ دوم). بيروت: دار الكتب العلمية.

سنهوری، عبدالرزاق. (بی تا). الوسيط في شرح القانون المدني الجديد. بيروت: داراحياء التراث العربي.

سوار محمد وحید الدین. (۲۰۰۱م). الاتجاهات العامة في القانون المدني (چاپ دوم). عمان: دار الثقافة.

سیوطی مصطفی. (۱۴۲۱ق). مطالب اولی النهی (چاپ سوم). دمشق: آل ثانی.

- شافعی محمد ابن ادريس. (۱۴۰۳ق). الام (چاپ دوم). بيروت: دار الفكر.
- شرييني محمد بن محمد. (۱۴۲۲ق) مغنى المحتاج. بيروت: داراحياء التراث العربى.
- شويكى، احمد بن محمد التوضيح. (۱۴۱۸ق). المكتبة المكية. مكة المكرمة.
- صاغر جى اسعد محمد سعيد. (۱۴۲۰ق) الفقه الحنفى و ادلته. دمشق: دار الكلم الطيب.
- صالح آبادى، على. (۱۳۸۵). بازارهاى مالى اسلامى (مجموعه مقالات). تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق عليه السلام.
- صاوى، احمد. (۱۴۱۵ق). بلغة السالك لا قرب المسالك. بيروت: دار الكتب العلمية.
- طريحي، فخر الدين. (۱۳۶۵). مجمع البحرين (چاپ دوم). تهران: انتشارات مرتضوى.
- طهماز، عبد الحميد محمود. (۱۴۲۲ق). الفقه الحنفى فى ثوبه الجديد. دمشق: دار القلم.
- عاملى زين الدين بن على شهيد ثانى. (۱۴۱۴ق). مسالك الافهام. قم: مؤسسة المعارف الاسلامى.
- عمرانى الشافعى، يحيى. (۱۴۱۸ق). البيان فى مذهب الامام الشافعى. بيروت: دار الكتب العلمية.
- غامدى على بن سعيد. (۱۴۱۸ق). اختيارات دار طيبة.
- القرافى، احمد بن ادريس. (۱۹۹۴م). الذخير. بيروت: دار الغرب الاسلامى.
- قمى ميرزا ابوالقاسم. (۱۳۷۹). جامع الشتات. تهران: انتشارات دانشكده حقوق و علوم سياسى.
- فهد المزيدي، صالح بن محمد. (۱۴۲۲ق). مسائل الامام احمد. مدينة النبى: مكتبة العلوم والحكم.
- كاسانى، ابى بكر بن سعود. (۱۴۱۷ق). بدائع الصنائع فى ترتيب الشرايع. بيروت: مؤسسة التاريخ العربى.
- مجاجى، محمد سكهال. (۱۴۲۲ق). احكام عقد البيع فى الفقه الاسلامى المالكي. بيروت: دار ابن حزم.
- المرداوى على بن سليمان. (۱۳۷۶ق). الانصاف فى معرفة الراجح من الخلاف على مذهب الامام احمد بن حنبل. بيروت: داراحياء التراث العربى.
- معصومى نيا، غلامعلى. (۱۳۸۹). بازارهاى مشتقه: بررسى فقهى و اقتصادى. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامى.

- معین محمد. (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- مغربی، محمد. (۱۴۱۶ق). مواهب الجلیل شرح مختصر خلیل. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- مقدسی، عبدالله بن احمد ابن قدامة. (۱۴۲۵ق) المغنی. قاهره: دار الحديث.
- موسوی سبزواری سید عبد الاعلی. (۱۴۱۶). مهذب الاحکام (چاپ چهارم). قم: مؤسسه المنار.
- نجدی، عثمان. (۱۴۲۲ق). هداية الراغب. مکه المکرمه: مکتبه احیاء التراث العربی.
- نجفی، محمد حسن. (بی تا). جواهر الکلام (چاپ هفتم). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نووی، یحیی بن شرف. (۱۴۱۵ق). روضة الطالبین. بیروت: دار الفکر.
- نووی، یحیی بن شرف. (۱۴۲۱ق). منهاج الطالبین. بیروت: دار البشائر الاسلامیه.
- هیتمی احمد بن محمد. (۱۴۳۱ق). تحفة المحتاج. بیروت: دار الکتب العلمیه.

<https://www.makarem.ir/>

<https://www.eghtesadonline.com/>